

شترق

خبرینی که در جایگاه بدهکار قرار می گیرند!



رضا درمان

مدیرعامل جامعه یابوری فرهنگی

در سال‌های اخیر موضوع حضور خیرین و آورده‌های نقدی و غیرنقدی آنها در موضوع مدرسه‌سازی به امری دائمی و پیوسته تبدیل شده که همه‌ساله آمار کمک‌های ایشان رو به افزایش است.

نیت خیرین هرچه باشد - برخاسته از دیدگاه‌های سنتی یا روشنفکرانه - به نظر می‌رسد آسیب‌هایی جدی به این موضوع در سال‌های اخیر وارد شده که می‌تواند تغییریانی در روند‌های آتی این موضوع ایجاد کند. شاید در این فرصت کوتاه بتوان به برخی از سرفصل‌های این آسیب‌ها اشاره کرد.

۱) تابلوهای کاشی‌کاری‌شده: در سال‌هایی که در مقام مدیرعامل یک مؤسسه مردم‌نهاد فعال در حوزه مدرسه‌سازی مشغول خدمت به مردم بوده‌ام، بارها دیده‌ام که بودن یا نبودن یک تابلوی کاشی‌کاری‌شده می‌تواند بر تصمیم بانی برای انجام پروژه اثر فراوانی داشته باشد. پروژه‌هایی که تابلوی کاشی‌کاری‌شده ندارند (مثل کانکس‌های یک‌کلاس‌ه) یا تجهیزات جانبی مدارس مثل سرویس‌های بهداشتی، دیوارکشی محوطه و امثال آنها، در این شرایط معمولاً نادیده گرفته شده و کمتر کسی همت به انجام آنها می‌گمارد. از آسیب‌های ناشی از این دیدگاه می‌توان به نبود امکان گردآوری آورده‌های اندک برای ساختن یک پروژه متوسط یا بزرگ اشاره کرد. یک مدرسه طبعاً می‌تواند یک تابلو و یک کام داشته باشد. از آنجایی‌که تمام مشارکت‌کنندگان از حق مسلم خود برای نام‌گذاری مدرسه گذشت نمی‌کنند؛ بنابراین کار مشارکتی و جمعی نیز مقدور نخواهد بود.

۲) قطع ارتباط بانی با مدرسه‌ای که ساخته: به‌ندرت بانیانی را می‌شناسم که بعد از مراسم افتتاح مدرسه و گرفتن عکس‌های یادگاری با دانش‌آموزان و ساختمان مدرسه، دوباره سفری به محل مدرسه داشته و ساعاتی را با دانش‌آموزان آن مدرسه بگذرانند. البته نمونه‌های استثنا وجود دارد؛ ولی این رفتار عمومی بانیانی است که در این حوزه وارد می‌شوند؛ به‌ویژه اگر خود از اهالی محلی نبوده یا وابستگی و ارتباطی با محل جغرافیایی پروژه نداشته باشند.

۳) مقایسه و ارزش‌گذاری مدارس براساس مترائز و تعداد کلاس درس: گاهی دیده می‌شود که حتی در انجام یک کار عام‌المنفعه نیز مثرهای رایج در زندگی روزمره ما (مانند پول، متمررع زیربنای ساختمان، مرغوبیت مصالح، مرغوبیت زمین و…) ملاک انتخاب و تصمیم‌گیری می‌شوند. در این صورت بانی محترم برای ارزش‌گذاری پروژه‌ای که ساخته است، مدلی برای محاسبه ارزش افزوده حاصل از کار انجام‌دهنده نداشته و مجبور است به این مثرهای رایج متوسل شود.

۴) بانی در جایگاه بدهکار: بارها دیده‌ام شخص خیبری برای شروع پروژه‌ای پیش‌قدم شده و کار را آغاز می‌کند. در میانه مسیر به دلایل مختلف از ادامه کار مجبور به انصراف می‌شود. در چنین شرایطی نظام حاکم بر سازمان نوسازی مدارس و جامعه خیرین مدرسه‌ساز با ایشان در جایگاه یک متخلف و بدهکار برخورد می‌کنند. به‌طورکلی می‌توان گفت برای تعامل با خیرین اگرچه در یک فضای غیرانتفاعی تفاهم‌نامه‌ای ساده امضا می‌شود؛ اما رفتارهای متولیان موضوع به‌گونه‌ای است که گویا در یک معامله انتفاعی غش اتفاق افتاده و بانی پروژه ملزم به جبران خسارت خواهد بود. این مدل تعامل با خیرین موجب خواهد شد تا حضور آنها در این حوزه پس از انجام محاسبات فراوان و بررسی‌های زیاد - و شاید به‌سختی - صورت گرفت و البته شاید این موضوع زمینه بروز رفتارهای غیرمنطقی از سوی بانی (مثل چانه‌زنی درباره قیمت تمام‌شده مترمربع ساختمان و…) نیز باشد. همیشه نگران این موضوع هستم که به‌زودی مدیران نوسازی مدارس در برخی از استان‌ها در زمان عقد تفاهم‌نامه ساخت مدرسه از بانی پروژه درخواست یک فقره چک تضمین نیز کنند!

اما حرف آخر: سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور ما در حال تجربه رشدی سریع از نظر ابعاد سازمانی و کیفیت کار هستند. در این مسیر کمبود منابع مالی مورد نیاز آنها برای تأمین مالی پروژه‌های عام‌المنفعه تعریف‌شده در آنها، موضوعی واضح و بدیهی است. از آنجایی‌که بسیاری از زیرساخت‌های مورد نیاز در روش‌های مدرن تأمین مالی - همگام با سایر کشورهای دنیا - در ایران فراهم نیست؛ بنابراین رقابت شدیدی برای جذب حداکثری منابع موجود میان سازمان‌ها در آینده‌ای نزدیک اتفاق خواهد افتاد. به عبارتی اگر رفتارهای متولیان دولتی موضوع مدرسه‌سازی (و سازمان‌های تنیده‌شده به بدنه دولت مانند جامعه خیرین مدرسه‌ساز) در مدل‌سازی و تدوین مقررات برای شناخت آسیب‌های بالقوه و یافتن راه‌حل مناسب برای آنها اصلاح نشود، به‌زودی شاهد کاهش میزان کمک‌های مردم به این حوزه خواهیم بود. فعالان سایر حوزه‌های مردم‌نهاد همه به دنبال تجهیز سازمان خود به ابزارهای مدرن درآمدزایی و بازاریابی بوده و به‌راحتی قادر خواهند بود تا در این رقابت مسیر منابع مالی را به سمت خود تغییر دهند.

پیشنهاد می‌کنم وزیر محترم آموزش‌وپرورش در دولت دوازدهم وجود این مشکلات (و بسیاری از موارد مشابه به آنها) را به رسمیت شناخته، از تخصص و تجربه سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این بخش بهره گرفته و با تکیه بر متدهای علمی به تدوین مدلی برای تعامل صحیح میان وزارت آموزش‌وپرورش و خیرین مدرسه‌ساز (افراد حقیقی یا سازمان‌ها و مؤسسات حقوقی) بپردازد. وجود یک مدل روشن و شفاف که متضمن تعریف جایگاه صحیح خیرین در بخش آموزش کشور باشد، می‌تواند اثرات بسیار شگرفی در حمایت مردم و شرکت‌های انتفاعی از موضوع مدرسه‌سازی و مدرسه‌یاری داشته باشد.

آنچه گذشت

در شماره قبل مخاطبان «تخته‌سفید» نکاتی را راجع به «پیوند نظام پرداخت معلمان با کیفیت عوامل آموزشی» که در یادداشت «وحید کیارشی»، کارشناس برنامه‌بودجه، آمده بود، مطرح کردند. کیارشی دو اقدام اساسی برای پیوند نظام پرداخت با ارتقای کیفیت نیروی انسانی را پیشنهاد می‌دهد:

جامعه فرهنگیان سال‌های طولانی است که منتقد نظام پرداخت کارکنان دولت است و معتقد است که کار باکیفیت آموزشی و پرورشی که ارائه می‌شود جبران خدمات مناسب ندارد و پایین‌ترین سطح ممکن دستمزد از آن فرهنگیان است.

هرچند این نقد قابل پاسخ‌گویی است، ولی توجه به معیشت فرهنگیان و استقرار نظام مناسب پرداخت که نتیجه این نقد است امری است که مورد تأکید جامعه فرهنگیان و دولت است. برای پیوند نظام پرداخت با ارتقای کیفیت نیروی انسانی دو اقدام اساسی پیشنهاد می‌شود:

۱- اجرای نظام رتبه‌بندی معلمان
با شنش و ارزیابی کیفی معلمان در وظایف آموزشی‌وپرورش‌ای که برعهده دارند، سنجش صلاحیت حرفه‌ای انجام و گواهی‌نامه صلاحیت معلمی به معلمان اعطا می‌شود. این امر تحولی بزرگ در اعتماد خانواده‌ها به معلمان به وجود می‌آورد و اندک معلمان بی‌کیفیت را از فرایند آموزش‌وپرورش خارج می‌کند، حقوقی نظیر سایر کارکنان دولت به این سطح از معلمان پرداخت شود. سپس سطوحی نظیر آنچه در آموزش عالی تعریف شده، در نظام رتبه‌بندی معلمان تعریف و هر معلم با ارائه خدمات باکیفیت استحقاق صعود به رتبه بالاتر را می‌یابد. این رتبه‌ها در نظام پرداخت هم تعریف می‌شوند و با ارتقای معلم به رتبه‌های بالاتر، حقوق و مزایای پرداختی به وی نیز ارتقا می‌یابد و ارتقای کیفی و پرداخت مالی توانان انجام می‌شود.

به‌این‌ترتیب توجه به معیشت فرهنگیان، نظام پرداخت ویژه معلمان و ارتقای کیفیت خدمات آموزشی و پرورشی به شکلی منسجم و هماهنگ انجام می‌شوند. این امر تکریم واقعی منزلت معلم است.

۲- اجرای نظام رتبه‌بندی مدارس و مؤسسات آموزشی و پرورشی
در کنار رتبه‌بندی عوامل آموزشی، مدارس و مؤسسات آموزشی و پرورشی نیز باید از سوی مرجع صالح که وزارت آموزش‌وپرورش است رتبه‌بندی شوند.

در مرحله اول باید مدارس دولتی سطح‌بندی شده و متناسب با امکانات آموزشی و پرورشی امتیازدهی شود و بر اساس امتیازات در سطوحی که تعریف می‌شوند رتبه‌بندی می‌شوند؛ فعالیت در هر سطح از مدرسه در پرداخت به عوامل آموزشی و پرورشی مدرسه مؤثر باشد و معلم، کار در مدرسه را مرتبط با پرداخت ماهانه بباید.

در نظام پرداخت به معلم امتیازی نیز برای مدرسه در نظر گرفته شود. آن‌وقت می‌توان نتایج قابل‌توجهی را در ارتقای کیفی مدارس به سطوح بالاتر که از سوی عوامل آموزشی مدرسه شکل می‌گیرد مشاهده کرد. البته امر رتبه‌بندی و استانداردسازی باید به مؤسسات غیردولتی هم تسری یابد که خود مسئله دیگری است.



جایگاه نظام آموزش‌وپرورش در توسعه

بررسی روش‌های تأمین منابع مالی



سعید قاسمیان

جامعه ما در سال اول برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران مسائل عمده‌ای را پیش‌رو دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: تأمین امکانات لازم برای ارتقای کیفیت زندگی بیش از ۸۰ میلیون نفر از جمعیت کشور،

نوسانات درآمد دولت با تغییرات قیمت نفت، ضرورت بهره‌برداری علمی از منابع و امکانات کشور و جلوگیری از به‌هدررفتن آنها، گسترش شهرنشینی و سکونت بیش از ۷۴ درصد از جمعیت در شهرها، تهاجم فرهنگی بیگانگان

و گسترش آسیب‌های اجتماعی و ضرورت ایمن‌سازی کودکان، نوجوانان و جوانان کشور، رعایت حقوق شهروندی، انقلاب علمی و تکنولوژیکی و ارتقای ارتباطات در قالب شبکه‌های اجتماعی و نوآوری‌های گسترده در توسعه‌یافتگی در ایران» تأکید می‌کند، از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «بزرگ‌ترین خدمتی که یک مدیر، یک اندیشمند، یک رئیس‌جمهور و یک نماینده مجلس می‌تواند برای ایران و ایرانی انجام دهد این است که در تحول شخصیتی ایرانیان اهتمام ورزد. ما به یک ایرانی جدید نیاز داریم، یک ایرانی وظیفه‌شناس، مسئولیت‌پذیر، حدشناس، منصف، پرهیزکار، متدین، بدون هیاهو، با حس تعلق به سرزمین، قدرشناس، انتقادپذیر، مطمئن از خود، خوداتکا، کم‌سخن، کم‌ادعا و خودشناس. شخصیت متعادل، افکار متعادل را میهمان دائمی خود خواهد کرد. شخصیت مقدم بر افکار است. شخصیت، تربیت و اصالت می‌خواهد، افکار قابل تغییرند. خانواده،

دین و سلامت اقتصادی در ساختن شخصیت نقش کلیدی ایفا می‌کنند. شخصیت متعادل، ثبات رفتاری می‌آورد. انسان‌ها بیشتر با شخصیتشان شناخته می‌شوند تا با افکارشان، افکار انسان‌ها، سیال است، ولی شخصیت آنها پایدار. کاربردی‌شدن نظام آموزشی و پرداختن به خلق و خوی ایرانی، نه‌تنها مبنای شناخت مشکلات ماست، بلکه مبنای برنامه‌ریزی برای نسل‌های آینده است.»

به یک ایرانی جدید نیازمندیم

دکتر محمود سریع‌القلم درخصوص نقش دولت و مجلس شورای اسلامی برای نوسازی نظام آموزش‌وپرورش در جای دیگری می‌گوید: «بزرگ‌ترین خدمت دولت این است که این نسل را تربیت فرهنگی کند و این خدمتی است به تاریخ ایران. اینها را از نظر شخصیتی قوی کنند، و ضعف هویت بیرون آورند. برای این کار به مغزهای بزرگی نیاز است و از این استرس‌های بیهوده درس‌خواندن که ناشی از نظام آموزشی مبتنی بر حفظ‌کردن است، بیرون بیاورند و تحول عظیمی در نظام آموزش‌وپرورش به وجود بیاورند. به همین دلیل است که قوه مقننه و قوه مجریه باید نزدیک به ۳۰ درصد از وقت خود را برای نظام آموزشی کشور بگذارند و نسلی را تربیت کنند و آنها را از یادگیری متکی بر حفظ‌کردن و بلاکلیفی و ضعف هویت بیرون آورند. برای این کار به مغزهای بزرگی نیاز است و دیگر نمی‌شود با افراد ضعیف این نظام آموزشی را متحول کرد. به افراد اندیشمند، افراد برنامه‌ریز و افراد اهل مطالعه نیاز داریم. تحول در کتب آموزشی کشور و آموزش دبیران برای تربیت نسل جدید خیلی اساسی است. آینده ایران در دست همین نسل است و دولت‌ها و مجلس‌هایی که در یک دهه آینده به قدرت می‌رسند، باید عمده همت خود را برای

توجه به تفاوت‌ها زمینه‌ساز برقراری عدالت پایدار است

انسیه خزعلی . رئیس سابق دانشگاه الزهرا (س)

آن درگیر هستند، در ارتباط است. یکی از مواردی که اکنون مطرح است، بحث پیش‌دستانی است. این بحث جدید و متأخر است و به نظر می‌رسد هنوز هم به اندازه کافی جا نیفتاده؛ به‌ویژه در بعضی از استان‌ها که پذیرش اقتصادی و فرهنگی ندارند. بنابراین از این دوره حمایت مناسبی صورت نگرفته است. آموزش در پیش‌دستانی می‌تواند سبب برقراری عدالت پایدار شود، با این پیش‌شرط که با کیفیت مناسب ارائه شود.

در استان‌هایی که دوزبانه نیستند نیز ایجاد پیش‌دستانی با توجه به اینکه اجباری نیست و هزینه‌بر است، سبب شده تا برخی از خانواده‌ها این امکان را داشته باشند و برخی این امکان را نداشته باشند. همین مسئله به فاصله‌ها دامن می‌زند و نگران‌کننده است. براین‌اساس همان قاعده‌ای که به‌عنوان نمونه در کنکور وجود دارد و کسانی که تمکن مالی دارند می‌توانند از کلاس‌های کنکور استفاده کنند و امکان بیشتری برای ورود به دانشگاه دارند، به دوره‌های پایین‌تر نظیر پیش‌دستانی نیز گسترش می‌یابد. درواقع کسانی که تمکن دارند می‌توانند از دیگران

مسئله پیش‌دستانی ضمن اینکه یکی از محورهای اساسی در مسیر عدالت است، از محورهای اصلی در مسیر کشف و پرورش استعداد‌های ایران اسلامی است. عدالت همان‌طور که حضرت علی (ع) می‌فرماید به این معنی است که هر چیزی را سر جای خودش قرار بدهیم و در جایی که نیاز بیشتری هست تزریق بیشتری انجام دهیم و در سایر موارد که امکان پرورش از مسیرهای دیگر میسر است، از راهکارهای دیگر استفاده کنیم. در بعضی موارد شنیده می‌شود که استان‌های دوزبانه را استثنا قرار دهیم. این استان‌ها استثنا نیستند و این نقص عدالت است. زیرا در شرایطی که خلاهایی وجود دارد، عدالت ایجاد می‌کند که تفاوت را در بودجه‌ریزی، تخصیص و برنامه‌ریزی مدنظر قرار دهیم. اگر مساوات را اینجا به‌عنوان رویه انتخاب کنیم در حقیقت عین بی‌عدالتی است.

بحث آموزش، سوادآموزی و علم‌آموزی یکی از زمینه‌های مهم و مرتبط با فقر است که با جنبه‌های مهم این مسئله نظیر فقر فرهنگی، فقر اقتصادی، فقر ارتباطی و فقر جغرافیایی که بعضی از استان‌های مرزی با